

پوهندوی دوکتور سید حسام « مل » .

-----[8]-----

**تتبع ونگارش با استفاده از مقالات علمی
و فشرده یاداشت هاز مطالعات روزمره**

تمدن چیست ؟

مدخل :

شناخت جهان و بویژه معرفت و شناخت از جوامع بشری توام با شناسایی از مراحل گوناگون از تکامل جوامع ایجاد میکند که انسان و بخصوص یک کار علمی یا یک شخص پژوهشگر پیوسته به شناخت پدیده ها و قوانین زیربند از تکامل و پیشرفت جامعه بپردازد و با نور معرفت از علوم بتواند جامعه و طبیعت و خود و قوانین طبیعی را شناسایی نموده یک جامعه انسانی را برای زیست خود و هموعان خود معرفی نماید ؛ لذا با در نظر داشت همین اصل خواستم در مورد تمدن داشته های ما را با خوانندگان ارجمند به اشتراک گذارم تا اگر بتوانم در بحر دانششان قطره ای را بیافزایم .



تعریف از تمدن : جامعه بشری با سازمانها و نهادهای اجتماعی خوب

توسعه یافته با فرهنگ و شیوه زندگی بهتری که جامعه یا کشور در یک دوره زمانی

خاص عبارت از تمدن است . و یا بعبار دیگر :

(مفهوم و یا معنی اصطلاح تمدن در طول تاریخ چندین بار تغییر کرده و حتی که از این

مفهوم امروز نیز با بکاربردن به چندین روش استفاده میشود؛ معمولاً برای توصیف جوامع بشری «با سطح بالایی از توسعه فرهنگ و تکنولوژیک»؛ برخلاف آنچه که خیلی ها؛ جوامع «پیشرفته» را کمتر می‌شناهند. این تعریف اما ناشناخته، ذهنی است و فرضیه‌ها را دریافت میکند که دیگر توسط دانش مدرن در مورد چگونگی تغییر جوامع بشری در گذشته‌های طولانی خود پذیرفته نشده است. یا که نه پذیرفته اند که در این مدت طولانی چطور جامعه بشر تغییر کرده است.

تمدن در لغت به معنی شهرنشینی آمده است که تنها به معنی اجتماع انسانی در یک منطقه، در یک خانه، و خیا بان‌ها نیست بلکه مدنیت به مفهوم وجود قوانین مکتوب و مدیریت شهری است که تمدن در اصطلاح نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی است که در یک جامعه بویژه ای رخ میدهد؛ یا که تمدن مجموعه پیچیده‌ای از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال شامل جهات روبنایی اعم از مذهبی؛ اخلاقی، زیبا شناختی، فنی، یا علمی مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع و یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر است.

و اما از لحاظ اخلاقی کلمه تمدن به اصطلاح لاتینی **سیبیلیتس** (civilitas) یا «شهر» مربوط میشود؛ به همین دلیل است که گاهی اوقات به جوامع در سطح دولتی شهری نیز اشاره میشود. و افراد عشایری که فاقد اسکان دائمی هستند را کنار گذاشته و افرادی که در «شهرک‌های» زندگی میکنند که شهری محسوب نمی‌شوند یا که دارای یک سازمان یا نهاد دولتی نیستند، گاهی اوقات میتوانند بعنوان برچسپ برای جوامع بشری که به درجه خاصی از پیچیدگی رسیده‌اند استفاده شود؛ پس تمدن به معنی گسترده‌ای اغلباً به معنی تقریباً همان فرهنگ یا حتی سنت‌های منطقه‌ای از جمله یک و یا چندین کشور جداگانه است. به این معنی که ما بعضی اوقات از **تمدن آژه** [(= Aegean = تمدن «آژه» یک اصطلاح کلی برای تمدن‌های عصر **برنز** یونان در اطراف دریای «آژه» است؛ سه منطقه‌ای جغرافیایی از هم جدا اما با برقراری ارتباط متقابل تحت پوشش این اصطلاح قرار دارند - **سیکلادها** «Cyclades» سرزمین اصلی یونان، کرت «crete» از آویل دوره **برنز** با تمدن **مینوین** «minoan» همراه است. **سیکلادها** با سرزمین اصلی در دوره اولیه **هلادین** «مینان» و با کرت در دوره **میدل مینوین** «Middle Minoan» همگرا میشوند. از حدود (1450) قبل از میلاد (اواخر **هلادیک**؛ اواخر مینوین) تمدن یونانی **میکانین** «Mycanacan» به کرت گسترش یافته است..... **تفصیل توسط این قلم** [**تمدن چین**] تمدن چین باستان

برای اولین بار در منطقه رودخانه زرد در شمال چین و در هزاره (2) و (3) قبل از میلاد توسعه یافت؛ بخش اعظمی از این منطقه توسط خاک (Loess soil) پوشانیده شده است؛ این سرزمین بسیار زیبا در طول هزاران سال از ارتفاعات آسیای میانه منفجر شده است و یکی از حاصل خیزترین خاک‌های جهان را بوجود می‌آورد. در زمان‌های قدیم محصولات اصلی در شمال چین **ارزن** (Millet) بود که یکی از حبوبات بسیار مغذی است..... **تفصیل توسط این قلم** [**تمدن**

مصر مصر باستان به تمدن در شمال شرقی افریقا در دره رود نیل گفته میشود؛ که در دوره زمانی میان (3000) سال قبل از میلاد تا زمان تسخیر مصر بدست اسکندر مقدونی وجود داشت؛ تمدن مصر باستان نمونه ای از شاهنشاهی بنا شده است؛ به فرمانروایان مصر باستان فرعون گفته میشود. - تمدن مصر باستان در سال (3140) پیش از میلاد یعنی زمانی که دو قلمروی مصر سفلی و مصر علیا تحت پادشاهی نخستین فرعون بنام (نامر) که برخی او را «**رامسس**» می نامند و به وحدت سیاسی رسیده و یاکه شکل گرفت، مصر باستان در دوره طولانی تمدن خود چندین بار زیر فرمانروایی نیروهای بیگانه از جمله هخامنش ها نیز درآمده است.....**تفصیل**

توسط این قلم { تمدن میزو امریکن } یک منطقه با یک دوره فرهنگی در قاره امریکا است این مکان تقریباً مکزیک مرکزی، بلیز، گواتیمالا، السلوادور، هندوراس، نیکاراگوا، و کوستاریکا را در برمیگیرد. در این مکان تعداد زیادی از فرهنگ های پیشاکلمبی پیش از اینکه اسپانوی ها به این مکان برسند وجود داشت. از نظر فرهنگی دوران میزوی، امریکایی بعد از دوران پالیوی امریکن (paleoamerican) بوجود آمده که (5000) سال قبل از میلاد مسیح است.....**تفصیل توسط این قلم** (

وباز هم تعریف تمدن :

تعریف تمدن

در زبانهای اروپایی از جمله انگلیسی، امروزه واژه civilization را به مفهوم تمدن اطلاق می کنند که آن هم به معنای استقرار یا فتن است و در تعریف اجتماعی، همان شهرنشینی است. از لحاظ ادبی، یک تمدن عبارت از یک جامعه پیچیده است که از یک جامعه ساده و ابتدائی تر متمایز می شود. هر فردی در یک جامعه و با یک فرهنگ متفاوت زندگی می کند ولی همه افراد در یک تمدن زندگی می کنند.

نخستین بار بحث در مفهوم تمدن را **ابن خلدون** در چارچوب فلسفه تاریخ و نظریه خود درباره "علم عمران" مطرح ساخت. وی نوشت:

"موضوع اصلی تاریخ عبارت است از فهماندن حالات اجتماعی انسان، یعنی تمدن... هم چنین تحول اخلاقیات و روحیات."

ساموئل هانتینگتون : تمدن را " بالاترین و ارجح ترین گروه بندی فرهنگی مردم و پخش و اشاعه هویت فرهنگی مردم که افراد بشر را از موجودات دیگر متمایز و مشخص می کند،" تعریف می کند. هانتینگتون می گوید "تاریخ به پایان نرسیده است و جهان واحد نیست و ما باید منتظر برخورد تمدنها باشیم."

در مقابلش **الوین تافلر آینده شناس - فوتورولوگ - معروف امریکایی** در نقد نظر هانتینگتون سه موج تمدن را، که یکی بر روی دیگری جریان می یابند، نشان میدهد:

۱ - تمدن کشاورزی و سنتگرایی مبتنی بر آن ؛

۲ - تمدن صنعتی و مدرنیته مبتنی بر آن ؛

۳ - تمدن الکترونیک - انفورماتیک و گلوبالیزم مبتنی بر آن)

هنری لوکاس: تمدن را "پدیده ای به هم تنیده شده می داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را در بر می گیرد".

آرنولد توین بی: تمدن را، " حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور می داند؛" یعنی طبقه ممتازی در جامعه که واجد نبوغ، ابتکار و نوآوری است و در اثر تحولات و سیر تکامل جامعه، تمدن را پدیدار می نماید.

ویل دورانت: وقتی فرهنگ عمومی به حد معینی برسد، فکر کشاورزی تولید می شود. او در حقیقت این تعریف را از معنای لغوی واژه تمدن، به مفهوم شهرنشینی اقتباس کرده است.

در دوران مدرن از نظر لغت نامی مفهوم " تمدن " هم در زبانهای اروپایی و هم در زبان پارسی با مفهوم شهر و شهرنشینی و "تخلق به اخلاق شهر" پیوند دارد. در تفسیر مدرن میان "فرهنگ" و "تمدن" یک رابطه عام و خاص برقرار است، یعنی هر تمدنی یک فرهنگ است و اما هر فرهنگی یک تمدن نیست "تمدن" به آن استقامتی و تداومی از تکوین فرهنگ اطلاق می شده که با شهرنشینی، و یا به بیان جامعه شناسی سیاسی، با "انقلاب شهری" در پیوند است "تمدن" آن مظاهر و تبعات تکوین فرهنگی را منعکس می سازد که از آمیزش تاریخی "فرهنگ" و "شهر"، حاصل می آید.

مقدمه:

تمدن از جمله واژه هایی است که در میان اندیشمندان و عامه مردم فراوان مورد استفاده قرار می گیرد، لکن با اندکی تأمل درمی یابیم که آشفتگی بسیاری در استعمال و معنای آن وجود دارد، از این رو برای دستیابی به نگاهی شفاف به پدیده تمدن، تعریفی بر اساس رویکرد تلفیقی ارائه شده است، امید است توانسته باشیم گامی در شفاف سازی مفهوم تمدن برداریم. در روش تحقیق، برای کشف واقعیت ها، از رویکرد تلفیقی، تطبیقی استفاده می شود؛ تلفیق و تطبیق شش رویکرد زیر: (1) رویکرد تحلیل زبانی، رویکرد تحلیل مفهومی، رویکرد پدیدارشناسی و رویکرد تجربی رویکرد تحلیل وجودی (2)، رویکرد تاریخ تمدنی (3)، رویکرد میان رشته ای.

به علت اختصار مقاله تنها به بررسی واژه تمدن با رویکرد تحلیل مفهومی، پدیدارشناسی، تجربه و وجودی پرداخته می‌شود. (4) و در مقاله های بعد رویکردهای دیگر بررسی می‌گردد.

تعریف تمدن (5)

«مجموعه روابط برآیندی (شبکه) پایدار در بستر تاریخ، که دارای هماهنگی بین ساختارها (6) و فرآیندها (7) و سیستم های معرفتی، قانونی و فرهنگی، زندگی در مقیاس اجتماعی اند و به دنبال پاسخ گویی رو به رشد (8) برای پوشش همه ی لایه های هرم نیازهای افراد گروه های اجتماعی می باشد.»

به عبارتی دیگر: شبکه (9) پایدار ساختارها (10) و سیستم های معرفتی، قانونی و فرهنگی زندگی در مقیاس جمعی، که به دنبال پاسخ گویی رو به رشد با حرکت مستمر و کیفیت افزایی در پاسخگویی به هرم نیازهای تک تک انسان ها است.

تحلیل روش تعریف تمدن:

این تعریف، یک تعریف «معیاری» با رویکرد تحلیل مفهومی و مبتنی بر دیدگاه «ساخت گرا» (11)، «مدل نیازها» و دیدگاه «اصالت فرد در ضمن جمع» است.

تعریف «معیاری»:

در برابر تعریف مصداقی (12) (پسینی) است و به این معناست که اندیشمند بر اساس الگوی ذهنی خود نسبت به وضعیت مطلوب، بدون دخالت دادن مستقیم مصداق خارجی، مفهوم مورد نظر را تحلیل می‌کند.

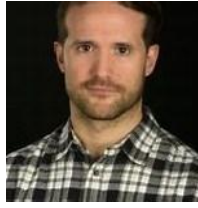
تعریف معیاری، نقشه و تصویری روشن از وضعیت مطلوب آن مفهوم (از منظر تعریف کننده) ارائه می‌نماید.

و چون موضوع به صورت قضیه ی حقیقه (13) به تصویر در می‌آید تمام مصداق گذشته، حال و آینده را شامل می‌شود که در این صورت با وجود آمدن یا از بین رفتن مصداق یا مؤلفه ای تعریف متزلزل نمی‌گردد، بخلاف تعریف مصداقی.

تحلیل مفهومی (14)

مفاهیم به دو دسته ماهوی و غیر ماهوی تقسیم می‌شوند؛ در تعریف ماهوی جنس، فصل، علل شیء و نقش و کارکرد ماهیت برای دست یابی به تعریف مناسب کشف می‌شود؛ و در غیر ماهوی برای رسیدن به تصویری شفاف و متمایز تحلیلی مفهوم از طریق کشف مفاهیم سازنده و مؤلفه های مفهومی معرف صورت می‌گیرد. (15)

بر اساس آنکه تمدن مفهومی غیر ماهوی دارد، باید با رویکرد تحلیل مفهومی تشریح گردد، تا تصویری روشن و متمایز از مفاهیم مشابه، نظیر فرهنگ، امت، جامعه، دین، توسعه و ... به دست آید.



من در اینجا می‌خواهم فشرده از مقالات کرسنتیان ویلاتی (Cristian Violatti) نویسنده غیر داستانی و سخنران عمومی با محوریت باستان‌شناسی و تاریخ باستان را ترجمه و پیشکش نمایم :

توسعه اصطلاح تمدن : (Development of the term civilization) :

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی در بین دانشمندان اروپایی اعتقاد بر این بود که جوامع بشری درگیر روند پیشرفت سرراست و یاروبرو هستند که به تدریج اوضاع یک جامعه بهبود می‌یابد ؛ اعتقاد بر این بود که بخشی از این تغییرات شامل آن مراحل بود که جوامع آن مراحل مختلف را به تحلیل و تجزیه گرفتند مثل وحشیگری و سرانجام به تمدن . در این زمینه تمدن بعنوان آخرین توقف یا ایستادرسفر طولانی جامعه بشری درک می‌شود . مراحل مختلف این تکامل اجتماعی یا جوامع خاص بشری مساوی می‌شود . جوامع شکارچی جمع‌کننده سرخپوشان و Mesolithic بخشی از مرحله وحشی ، کشاورزان عصرنوسنگی «حجر» و برنز به عنوان بخشی از مرحله بربریت در نظر گرفته شدند و سرانجام جوامع شهری عصر برنز (بخصوص آنها بی که در خاور نزدیک) مرحله اولیه جهان متمدن به حساب می‌آمد . امروز ، این رویکرد دیگر معتبر نیست ، زیرا با نگرش برتری فرهنگی پیوند خورده است ، که توسط آن جوامع انسانی که هنوز "تمدن" نشده اند ، به نوعی فروما به تلقی می‌شوند .



قنات « مجرای کانال آب » رومی پونت دو گارد

دیدگاه های قومی (Ethnocentric Views) :

مکالمات روزمره ، تمایل به استفاده از کلمه "تمدن" برای مراجعه به نوعی از جامعه

وجود دارد که مجموعه ای از ارزشهای اخلاقی را نشان می دهد ، ما نند احترام به حقوق بشر یا نگرش دلسوزانه برای بیماران و سالمندان. این مسئله می تواند مشکل ساز باشد ، زیرا ارزش های اخلاقی ناگزیر یک طرفه و قوم گرایانه هستند. رفتاری که توسط یک فرهنگ خاص "متمدن" تلقی می شود ، ممکن است توسط فرهنگ دیگری بی معنا باشد یا حتی با وحشت دیده شود. تاریخ تعداد بیشماری نمونه از این موضوع را ثبت می کند. یکی از معروف ترین ها توسط **هرودوت** گزارش شده است ، که شرح اقدامات متضاد تشییع جنازه یونانیان ، که مردگان خود را آفریده اند ، و هندی ها به نام **کلاتیائی** ، که مردگان خود را می خورند ، توصیف می کند:

«در زمان سلطنت خود ، **داریوش** ؛ **هلیس** را در دربار خود احضار کرد و از آنها پرسید که چه مقدار پول برای خوردن اجساد پدران مرده خود بپردازند. آنها پاسخ دادند که به هر مبلغی این کار را نمی کنند. بعداً **داریوش** برخی از سرخپوستان به نام **کلاتیائی** را دعوت کرد که والدین خود را می خورند. [...] ، او [داریوش] از هندی ها پرسید که چه مقدار پول برای سوزاندن اجساد پدران مرده خود بپردازند. آنها با عصبانیت پاسخ دادند و دستور دادند که دهان خود را ببندد تا مبادا به خدایان توهین کند. خوب ، بنا براین ، اینگونه مردم فکر می کنند ، و به همین ترتیب به نظرم می رسد که پیندار درست گفته است وقتی در شعر خود گفت عرف پادشاه همه است (هرودوت 3.38.3-4)»



ماسک **xiuhtecuhtli**

ویژگی های یک تمدن

یک محقق با نفوذ به نام **گوردون چایلد**، لیستی از ده صفت را مشخص کرد که تمدن را از انواع دیگر جوامع متمایز می کند. لیست او بارها مورد بازنگری و بازنویسی قرار گرفت. آنچه در زیر می آید نسخه **چارلز ردمن**، باستان شناس آمریکایی است:

خصوصیات اولیه

1. شهرکهای شهری
2. متخصصان تمام وقت که در فعالیت های کشاورزی مشارکت ندارند
3. غلظت تولید مازاد
4. ساختار کلاس
- 5- سازمان سطح دولتی (دولت)

خصوصیات ثانویه

6. ساختمان عمومی بنایی
7. شبکه های گسترده تجارت
- 8- آثار هنری بنای یادبود استاندارد
9. نوشتن
10. توسعه علوم دقیق

امروز اذعان شده است که این معیارها به دلایل مختلفی می توانند مشکل ساز باشند، عمدتاً به این دلیل که معیارهای باستان شناسی که برای تعریف یک تمدن مورد استفاده قرار می گیرند همیشه واضح نیستند: واقعیت نسبت به تمایزات فکری ما بی تفاوت است. ما از تمدنهای پیچیده، مانند اینکاهها، که سیستم نوشتن ندارند، می دانیم. ما می توانیم از جوامعی که بناهای یادبودی تولید کرده اند، مانند در جزایر شرقی یا استون هنج، که در آن هیچ سازمان دولتی یا نوشتن وجود نداشته است، آگاه باشیم. و ما حتی مراکز شهری را می شناسیم، مانند تمدن **سرامیکی** در آند (پیش از میلاد 3000-1800 پیش از میلاد) مدتها قبل از زمان **اینکاهها**، که قبل از توسعه کشتا ورزی گسترده ایجاد شده است. با این حال، این لیست چارچوبی را ارائه می دهد که با استفاده از آن می توان ویژگی

های هر جامعه را به طور عینی با یکدیگر مقایسه کرد. اگر جامعه اکثر این خصوصیات (یا حتی همه آنها) را به نمایش بگذارد، ما را قادر می سازد تا از آن به عنوان یک تمدن بیگانه، ناخوشایند یا باستانی یاد کنیم، چقدر بیگانه، ناخوشایند و یا باستانی هستیم، ما می توانیم راه زندگی و ارزشهای آن را بیابیم.



سنگی کتیبه ای که در سال « 1799 » در نزدیکی روزتا در دهانه غربی رود نیل یافت شده است. متن آن به سه نسخه نوشته شده است: سلسله مراتبی، د موتیک و یونانی. رمزگشایی سلسله مراتب توسط ژان فرانسوا شامپولین در سال « 1822 » به تفسیر بسیاری از سوابق اولیه دیگر تمدن مصر منجر شد.

تا قبل از میلاد « 1970 »، توضیحات مربوط به چگونگی توسعه تمدن تمایل به تک صدایی داشتند و تمدنها محصول نهایی اجتناب ناپذیر تکامل اجتماعی یا سیاسی تلقی می شدند. امروزه ادعا می شود که توضیحات چند علت ممکن است به تبیین بهتر پیشرفت تمدن ها باشد: ما می دانیم که بسیاری از نیروهای اجتماعی که در گذشته اعتقاد بر این بودند به ناچار منجر به توسعه شهرها و ایالت ها می شوند (مانند تجارت از راه دور سیستم های آبیاری یا افزایش جمعیت) همیشه به این نتیجه نمی رسند. تنوع تجربه انسانی برای مفاهیم ما کاملاً پیچیده و گسترده به نظر می رسد تا واقعیت را کاملاً

متناسب سازد. شاید عاقلانه تر باشد و شاید به حقیقت نزدیکتر باشد، بدانیم که هر جامعه بشری با مجموعه ای از شرایط منحصر به فرد خود شکل می گیرد و توضیحات جهانی یا مفاهیم کلی همیشه معنا ندارد. فقط اگر این محدودیت ها را در خاطر داشته باشیم، مفهوم تمدن قدرت پیدا می کند و به ابزاری مفهومی مفید تبدیل می شود.

ما تا اکنون به مفهوم و تعریف و توصیف تمدن پرداختیم و البته که در مقاله دیگر به تشریح شباهت ها و تفاوت های این تمدن های جذاب اولیه می پردازیم

پایان بخش اول